

حرف درشت

توطئه آب

پوریا عالمی

● دیروز در سفرنامه‌ام ثابت کردم لباس، توطئه اروپایی‌هاست. امروز توطئه آبشان را از منظر آب-پلیتیک و ژئوپلیتیک خنثی می‌کنم:

در سفر به خارج فهمیدم این آبی که می‌خوریم عملاً داریم می‌ریزیم به آسیاب دشمن. چطور؟ آیا می‌دانستید آبی که پشت‌سر مسافر می‌ریزید عملاً توطئه غرب است؟ آنها هزاران سال پیش آمدند و تو گوش ساسانیان زمزمه کردند: «اوهو ای ایرانیان، شما که دائم‌السفرید و کشورگشا و توی هر شهر هم یک زن دارید، لذا اگر پشت‌سر مسافرتان یک کاسه آب بریزید او به سلامت برمی‌گردد».

دیدید؟ اصلاً ما همچین رسمی نداشتیم. شما حساب کن دو هزار سال، روزی صد هزار نفر رفته باشند سفر، با حذف ایام تعطیل و مناسبت‌ها و اعیاد، می‌شود چند کاسه آب؟ بله، می‌شود ۷۳ میلیارد کاسه آب. آیا در این نشانه نیست؟ ۷۳ میلیارد می‌دانید یعنی چندتا رودخانه و دریاچه؟ آیا خیال می‌کنید همین‌طور یلخی خشک‌سالی در ایران به وجود آمد و خارج خیس ماند؟ به این برکت که هر کاسه آب که پشت مسافر می‌ریزید به آسیاب دشمن است. پس

نریز ای ایرانی، آب را الکی بیرون نریز.

خارجی‌ها پشت مسافر چکار می‌کنند؟ هیچی. جای آب و آب‌ریزی، توی فیس‌بوک می‌زنند «عالمی تراولینگ تو مقصد فرام مبداء»، بستگان طرف هم جای آب، لایک می‌ریزند براش.

شما همین آتش پشت پا را هم ببین، تابلو دسیسه غرب است. هم آتش و هم هندوانه چقدر آب مصرف می‌کنند؟ آیا مقرون‌به‌صرفه است؟ نصف آب مملکت خرج آتش و آب مسافر می‌شود. بعد می‌گویند چرخ خشک‌سالی؟

غرب را آب برداشته. همش باران، همش رودخانه، شرق را چی؟ همش زورخانه.

ایرانی‌ها هشت می‌روند سفر، که چی؟ که آب ایران تمام شود. کجا می‌روند؟ غرب که آب‌روی ایران تمام شود. درحالی‌که غرب هر صدسال یک‌بار یکی را می‌فرستد شرق. مثل مارکوپولو یا این‌ خواهر سوپراستاری که این اواخر آمده بود برای عمل زیبایی پلاستیک به ایران و عمل زیبایی، آیا چیزی جز این است که آب شکم را بکشد و آب ناب تزریق کنند به لب‌ها و گونه‌ها و...؟

پس بر هر ایرانی اصلی است که با صرفه‌جویی آب غرب را زمین‌گیر کند.

فردا درباره توطئه و دسیسه آب آشامیدنی غرب حرف درشت می‌زنیم.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۶ • ۵ رمضان ۱۴۳۸ • ۳۱ می ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۷۸ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۶ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

مهدی عزیزی



گزارش فردا

با ابراز امیدواری به همراهی وزیر بعدی کار موانع ثبت انجمن روزنامه‌نگاران تهران اعلام شد

بیش از پنج ماه از برگزاری مجمع عمومی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران می‌گذرد و مشکلاتی بر سر راه ثبت این انجمن وجود داشته است. هیئت‌مدیره منتخب انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران درباره موانع ثبت انجمن اطلاعیه‌ای صادر کرد که در ادامه می‌آید:

به منظور شکل‌گیری انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران و با هدف انجام مراحل ثبت قانونی، مجمع عمومی موسسان در تاریخ دوم دی‌ماه ۱۳۹۵ با حضور پر شور شما برگزار شد و اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت‌مدیره با اراده و رای مستقیم شما انتخاب شدند. اما متأسفانه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با وجود مهلت قانونی حداکثر ۳۰ روزه، از صدور و ارائه مجوزهای لازم برای شروع به کار رسمی انجمن خودداری می‌کند.
منتخبان شما در هیئت‌مدیره و تعدادی از پیش‌کسوتان مطبوعاتی برای پیگیری موضوع و رفع موانع احتمالی وارد مذاکره با مقامات وزارت کار و نیز با شخص محترم وزیر شدند، اما با وجود مواضع منعطف انجمن در چارچوب قانون، متأسفانه هنوز گره ثبت انجمن گشوده نشده و این‌گونه که مشخص است انتظار مسئولان وزارت کار از ترکیب هیئت‌مدیره، تفاوت زیادی با اولویت‌بندی منتخبان شما در روز رأی‌گیری دارد. بر این اساس منتخبان شما در هیئت‌مدیره انجمن، ضمن تبادل‌نظر با جمعی از نامزدهای روز انتخابات دوم دی‌ماه ۱۳۹۵ به این جمع‌بندی رسیدند تا برای صیانت از آرای شما همکاران گرانقدر، ادامه پیگیری مراحل ثبت را که اکنون خارج از ریل قانونی به نظر می‌رسد، به معرفی وزیر کار جدید در کابینه دوازدهم و مذاکره با ایشان که امید می‌رود پایبندی بیشتری به قانون داشته باشند، موکول کنند.
امیدواریم در ادامه این مسیر همانند گذشته با پشتیبانی صنفی شما برخوردار باشیم.

اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود؛ همچنین از اصل هشتم همان قانون که برای مردم حق امر به معروف و نهی از منکر دولت را پیش‌بینی کرده؛ بنابراین آزادی در انتخاب و شرکت در اداره کشور از این طریق همان حقی است که به موجب اصل نهم قانون اساسی هیچ مقامی حق ندارد حتی به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و حتی با وضع قوانین و مقررات آن را از مردم سلب کند.

در مقدمه قانون اساسی نیز آنجا که از شیوه حکومت در اسلام صحبت می‌شود، قانون‌گذار اعلام می‌کند که قانون اساسی زمینه مشارکت در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز را برای همه افراد اجتماع فراهم کرده است تا در مسیر تکامل انسان هر فردی دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقا و مدیریت باشد. آنچه گاهی مورد بحث و مناقشه قرار می‌گیرد روش و کیفیت اعمال این حق است. دراین‌باره از دیرباز بحث‌های فراوانی مطرح شده و در نهایت متفکران به این نتیجه رسیده‌اند که تا زمان حاضر آنچه به اصطلاح «به عقل بشر رسیده» همانا حاکمیت اکثریت مردم بوده است. این چیزی است که در اصول استنباط نیز ما از آن به‌عنوان «بنای عقلای عالم» یاد می‌کنیم. گفته شده است اگر روزی روش دیگری ابداع یا کشف شد که تاکنون شناخته نشده بود، عقلا همان را اجرا و اعمال خواهند کرد.

سلام به فردا

رأی مردم سهام شرکت‌های سهامی نیست

بنابراین همان‌گونه که فرموده‌اند «میزان رأی ملت است» باید همگان بپذیرند و بپذیریم که وقتی با اعمال روش‌های متداول و پیش‌بینی‌شده در قانون مشخص شد که خواست و رأی اکثریت چیست، آن‌گاه باید همه بر آن گردن نهند؛ حتی اگر سلیقه شخصی و منافع فردی یا گروهی برخی رعایت و تأمین نشده باشد.

قابل‌شدن صفت برای آرای افراد یا گروه‌های گوناگون در جامعه ما و با توجه به اصول قانون اساسی که اصل تساوی را مقرر اعلام کرده است، پذیرفتنی نیست. رأی مردم سهام شرکت‌های سهامی نیست که احیاناً «سهام ممتاز» داشته باشیم. همچنین بحث از «آرای کیفی» که تلویحاً مردم را از نظر حق رأی به طبقاتی تقسیم می‌کند در شأن ایرانیان نبوده و آن بیان مشهور را به یاد می‌آورد که «همه مردم برابرند اما بعضی برابرترند». سازمان‌ها و نهاده‌ها و مؤسسات نظارتی، به‌هرحال و بر حسب مقتضیات کار خود را انجام می‌دهند و در نهایت باید نتیجه را حتی اگر مطلوب ما نباشد، بپذیریم؛ اما اینکه در موضوع واحد در دو زمان از دو فرد یا دو شخص مطلب واحدی شنیده شود اما حکم یک مورد گرفتاری و رد انتقاد شدید و حکم مورد دیگر، تأیید یا سکوت باشد به‌شدت محل تأمل است.

خلاصه اینکه اگر مردم صاحب مملکت هستند-که هستند-باید ولی‌نعمت‌بودن و سروری آنها را پذیرفت. والله اعلم.

مشری کافه خیابان وسط

چرا ما مخترع «فیس‌بوک» نشدیم؟

شده‌اند؛ دانشگاه‌هایی که گاه قدمتشان به چند قرن هم می‌رسد؛ همان دانشگاه‌هایی که بزرگان و مشاهیری را تربیت می‌کنند تا دنیای آینده را بسازند. بی‌دلیل نیست که آن دانشگاه‌ها معتبرند. از چنین جایی است که جوان رنگین‌پوست آفریقایی‌تباری می‌تواند به کاخ سفید راه پیدا کند تا سکان هدایت قدرتمندترین کشور جهان را در دست بگیرد و نیز از چنین جایی است که جوان کم‌سن‌وسال نابغه‌ای می‌تواند با اختراع یک نرم‌افزار، جهان را به دورانی تازه پرتاب کند و میلیارد‌ها نفر کاربر را در پی خود به آینده بکشاند. در چنین جایی است که پروژه‌های بزرگ علمی کلید می‌خورند و با فاصله کوتاهی سر از بازار درمی‌آورند.

دانشجو در چنین دانشگاهی به این باور می‌رسد که تحقق هر رؤیایی ممکن است. از همین‌رو آرزوی هر جوان نخبه‌ای تحصیل در چنین دانشگاهی است. او آرمانش را می‌خواهد در جایی جست‌وجو کند که احتمال تحقیقش در آنجا زیاد است. چون بعینه دریافته است در آنجا فاصله میان رؤیا تا واقعیت بسیار کوتاه است. «باراک اوباما» و «مارک زاکربک» هر دو محصول چنین دانشگاهی‌اند، اما چرا جوان نخبه آرمان‌گرای ما راضی به ماندن در

دانشگاه‌های خردمان نیست؟ به این دلیل که

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ما افق روشنی پیش‌روی این جوان نخبه نمی‌گذارند. جوان با ورود به این مراکز همچنان نگران آینده خود است. چون نمی‌داند پس از فارغ‌التحصیلی چه آینده‌ای در انتظارش است؟ در اینجا دانشگاه کارخانه تحقیق رؤیاهایش نیست. پس ترجیح می‌دهد رؤیایش را با خود به جایی ببرد که امکان تحقیقش در آنجا هست و این چنین او به جایی می‌رود تا هم آینده خود را بسازد و هم در ساخت آینده جهان نقش داشته باشد؛ آینده‌ای که محصول رؤیای هزاران نخبه چون اوست که به آنجا رفته‌اند!



مهرداد جفتی

شاید تابه‌حال کودکی از شما پرسیده باشد که چرا ما مخترع هواپیمای نشدیم؟ یا مخترع قطار، اتومبیل، موبایل، کامپیوتر، ماهواره یا فضاپیما؟ شما چه پاسخی داده‌اید؟ آیا نسل امروز همچون آن کودک حق دارد بپرسد که سهم ما از این همه اختراع مهم در جهان چیست؟ وسایلی حیاتی که جهان را متحول و فرهنگ جوامع را نیز با خود دگرگون کرده‌اند. جهانی آکنده از وسایل جدید که بشر را به آینده می‌برند. جهان به‌سرعت با این وسایل مدرن به‌سوی هوشمندشدن می‌رود. تا آنجا که اتومبیل‌ها دیگر نیاز به راننده ندارند و خانه‌های هوشمند خود اداره امور را در دست گرفته‌اند! در این سرعت سرسام‌آور تکنولوژی جای ما کجاست؟ ما در کجای این مسابقه قرار گرفته‌ایم؟ این‌همه دانش آموز-نابغه که همه‌ساله مدال المپیاد علمی می‌گیرند کجای این پیشرفت قرار دارند؟ این سو درون مرزها مشغول تولید تکنولوژی‌های مدرن‌اند؟ یا در آن‌سوی مرزها مشغول کار روی پروژه‌های جدیدند؟ پروژه‌هایی که فاصله آن کشورها را همچنان با ما زیادت‌ر و رقابت با آنها را روزبه‌روز برای ما ناممکن‌تر می‌کند. لابد خبر فرار مغزها را شنیده‌اید؟

همان خبر که می‌گویند ایران در این مورد مقام اول را در جهان دارد. بزرگ‌ترین محصول صادراتی ما به‌جای کالا، انسان نخبه است! نخبه‌های جوانی که از مدارس ما بیرون می‌آیند تا آینده خود را در آن‌سوی مرزها جست‌وجو کنند! آرزوی آنها راه‌یافتن به دانشگاه‌های معتبری است که نوانیغ بسیاری در طول سالیان از آنجا فارغ‌التحصیل

پیشخوان



● شماره دوم «آنگاه» با موضوع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد. این شماره که ویژه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است، با نگاهی تحلیلی و روایتی به بررسی روند شکل‌گیری، شخصیت‌ها و نام‌های ماندگار و همچنین رشد و افول این نهاد فرهنگی پرداخته است. در شماره دوم «آنگاه» گفتارها و نوشتارهایی از چهره‌هایی مانند رومینا آفنده، مرتضا آکوجکیان، امیر اثباتی، غلامرضا امامی، داوود ارسوئی، کبوتر ارشدی، محمدرضا اصلانی، علی امیرزایی، امید انارکی، سعید بابوند، سجاد باغبان، علی بختیاری، محمد بهشتی، آرش تنهایی، مرجان

چرخچی، ابراهیم حقیقی، خاطره خدایی، علی خسروی، مصطفی رحماندوست، رسول رخشا، سحر سخایی، امیر سقراطی، امیرحسین سیادت، مهدی سیفی و حسین شهرابی، منتشر شده است. مهدی صالحی‌اقدم، بهنام صدیقی، فاتح صهبا، محمدعلی طالبی، محمد طلوعی، جواد عاطفه، اسماعیل عباسی، بهروز غریب‌پور، محمد فدایی، ناصر فکوهی، معراج قنبری، لیلی گلستان، زینب لک، کامبیز مشتاق‌گوهری، فرزاد مقدم، کیمیا ملکی، شهروز مهاجر، معصومه میرحسینی، رسول نظرزاده، سعید نوری، مرضیه وفامهر و محسن هجری هم در شماره تازه این نشریه فرهنگی و ادبی، مطالبی به چاپ رسانده‌اند. شماره دوم «آنگاه» (ویژه بهار ۱۳۹۶) با سردبیری آرش تنهایی در ۲۴۰ صفحه و با بهای ۱۵ هزار تومان و در قطع وزیری و جلد سخت گالینگور به چاپ رسیده و از هفته سوم اسفند ۹۵ در کتاب‌فروشی‌ها و دکه‌های مطبوعات سراسر کشور در دسترس خواهد بود. نسخه الکترونیک مجله را نیز می‌توانید به‌زودی از فیدیبو، جار، طاقچه و وب‌سایت آنگاه خریداری کنید.